

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مردی از ملکوت

زندگی، آثار احوال، شگفتی‌های سیر و سلوک و
تعالیم اخلاقی و معنوی عارف کم نظیر استاد علامه
حضرت آیت الله العظمی آقای سید علی آقا قاضی
طباطبایی تبریزی رحمه الله علیه

به کوشش:

دکتر محمد باقر نجف زاده بارفروش

«م. روجا»

سرشناسه	:	نجف زاده بارفروش، محمد باقر، ۱۳۳۹ - گردآورنده و مترجم
عنوان و نام پدیدآور	:	مردی از ملکوت : زندگی ، آثار، احوال، شگفتی های سیر و سلوک و تعالیم اخلاقی... قاضی طباطبائی تبریزی . / محمد باقر نجف زاده بارفروش.
مشخصات نشر	:	تهران: کتاب جمهور، ۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری	:	۲۰۴ص.
شابک	:	978-964-2943-42-5
وضعیت فهرست نویسی	:	فیها
موضوع	:	قاضی تبریزی، علی، ۱۳۴۵ - ۱۳۳۵.
موضوع	:	عارفان -- ایران -- سرگذشتنامه
موضوع	:	مجتهدان و علما-- ایران-- سرگذشتنامه
رده بندی کنگره	:	۱۳۸۸ ۲۰۳/۳/۲ BP۵۵
رده بندی دیویی	:	۲۹۷/۹۹۸
شماره کتابشناسی ملی	:	۱۷۷۵۰۳۸



کتاب جمهور

مردی از ملکوت

تألیف: دکتر محمد باقر نجف زاده بارفروش

ناشر: جمهور و فرهنگ کاوش

حروفزنی و صفحه آرایی: کتاب آشنا

چاپ: باقری

شمارگان: ۵۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول/ ۱۳۸۸

قیمت: ۲۶۰۰۰ ریال

شابک

۹۷۸۹۶۴۹۵۰۳۸-۴-۴
978-964-95038-4-4

فهرست مطالب

دریچه نخست :	۴
دریچه دوم :	۴
پیشگفتار	۶
کتاب نخست	۱۲
دیدگاهها	۱۲
امام خمینی :	۱۲
استاد مطهری و دلبستگی به علی آقا قاضی :	۱۲
آیت الله محمد تقی بهجت فومنی :	۱۳
حضرت استاد شیخ محمد تقی تحریری :	۱۳
علامه سید محمد حسین حسینی تهرانی :	۱۴
علامه سید محمد حسین طهرانی :	۱۴
آیت الله سید محمد حسینی همدانی :	۱۵
آیت الله سید محمد حسینی همدانی	۱۶
آیت الله حسینی همدانی :	۱۶
آیت الله سید محمد علی حکیم :	۱۷
آیت الله سید محمد علی حکیم :	۱۷
آیت الله العظمی حاج سید ابوالقاسم خویی :	۱۸
آیت الله حاج شیخ جعفر سبحانی :	۱۸
آیت الله جعفر سبحانی :	۱۸
حجت الاسلام و المسلمین سید علی اکبر صداقت :	۱۹
حجت الاسلام و المسلمین سید علی اکبر صداقت بابلسری :	۱۹
حجت الاسلام سید علی اکبر صداقت :	۱۹

۱۹	علامه طباطبائی ؛ (صاحب تفسیر المیزان):
۲۱	سیده فاطمه قاضی دختر آیت الله قاضی:
۲۴	سید محمد حسن قاضی (پسر آیت الله قاضی):
۲۵	آیت الله حاج شیخ عباس قوچانی:
۲۵	آیت الله سید عباس کاشانی:
۲۷	آیت الله سید عبدالکریم کشمیری:
۲۹	آیت الله سید جمال گلپایگانی
۲۹	آیت الله مرندی:
۳۰	آیت الله حاج سید عبدالکریم موسوی اردبیلی
۳۰	آیت الله نجابت:
۳۱	آیت الله نجابت؛ :
۳۱	هیأت تحریریه شمس الشموس:
۳۱	یکی از شاگردان آیت الله قاضی :
۳۲	بخش دوم
۳۲	سالشمار زندگی آیت الله سید علی آقا قاضی طباطبائی تبریزی
۳۵	بخش سوم
۳۵	زندگی نامه سید علی آقا قاضی:
۳۶	پدر سید علی آقا قاضی:
۳۶	مادر آیت الله قاضی
۳۷	تحصیلات:
۳۷	سفر به نجف:
۳۸	تحصیلات حوزوی:
۳۸	عرفان گرایی و استادان عرفان قاضی
۴۰	بخش چهارم
۴۰	معرفی بیشتر خانواده آیت الله قاضی:
۴۱	نام خانوادگی «قاضی»:
۴۳	برادر و خواهر آیت الله قاضی:
۴۴	همسران آقای قاضی
۴۵	همسر اول آیت الله قاضی:

همسر قزوینی.....	۴۶
همسر کوفی.....	۴۶
همسر لاهیجانی.....	۴۶
فرزندان، خویشان و بستگان آقای قاضی؛ ..	۴۶
آقا سید جعفر قاضی.....	۴۶
آیت الله آقا سید حسین قاضی طباطبائی تبریزی: ..	۴۷
سید عبدالحسین قاضی.....	۴۷
سید محمد باقر قاضی ..	۴۸
سید محمد حسن قاضی ..	۴۹
آقا سید مهدی قاضی.....	۴۹
حجت الاسلام و المسلمین آقا سید مهدی قاضی تبریزی ..	۵۰
بخش پنجم.....	۵۱
سفرهای سید علی آقا قاضی.....	۵۱
سفر حج.....	۵۲
سفر ترکیه.....	۵۳
سفر کربلا.....	۵۳
سفر مشهد و تهران و ری.....	۵۳
بخش ششم.....	۵۴
زندگی زاهدانه آیت الله قاضی.....	۵۴
بخش هفتم.....	۵۷
روز درگذشت آیت الله قاضی.....	۵۷
بیماری عطش.....	۶۴
آرامگاه سید علی آقا قاضی.....	۶۴
بخش هشتم.....	۶۵
جهان عرفانی مرجع.....	۶۵
فتح باب سلوک معنوی آیت الله قاضی.....	۶۶
گوشه هایی از زندگی مرحوم قاضی.....	۶۷
شیوه نماز شب خوانی آیت الله قاضی.....	۶۹
حضور پیاپی در وادی السلام.....	۷۰

- چیرگی بر شعر و ادب فارسی ۷۰
- تفسیردانی آیت الله قاضی ۷۱
- محل اقامت آقا سید علی قاضی ؛ ۷۱
- مدرسه قوام ۷۲
- مجالس و کلاسهای آقای قاضی ۷۳
- بخش نهم ۷۶
- استادان و مشایخ سید علی آقا ۷۶
- قاضی تبریزی ۷۶
- آیت الله سید محمد اصفهانی ۷۷
- آیت الله میرزا موسی تبریزی ۷۸
- آخوند خراسانی ۷۸
- میرزا حسین خلیلی ۷۸
- فاضل شریانی ۷۸
- حاج شیخ فتح الله شریعت ۷۹
- سید مرتضی علم الهدی ۷۹
- آقا سید حسین قاضی ۷۹
- میرزا محمد علی قراچه داغی ۷۹
- آقا سید احمد کربلایی تهرانی ۸۰
- یک سخن ۸۱
- آقای حاج سید مرتضی کشمیری ۸۱
- آیت الله محمد حسن مامقانی ۸۲
- نیر تبریزی ۸۲
- امامقلی نخجوانی ۸۲
- آیت الله سید محمد کاظم یزدی ۸۳
- بخش دهم ۸۴
- شاگردان و مریدان سید ۸۴
- علی آقا قاضی ؛ ۸۴
- شمار شاگردان قاضی ۸۵
- حاج شیخ محمد تقی آملی ۸۵

- ۸۷..... آقا سید محمد حسن الهی قاضی
- ۸۷..... شیخ علی محمد بروجردی
- ۸۸..... آیت الله محمد تقی بهجت فومنی :
- ۸۸..... چهل سال دعا برای یک حاجت
- علامه آیت الله العظمی حاج سید محمد حسین حسینی
- ۸۸..... تهرانی
- ۹۲..... آیت الله سید عباس حسینی کاشانی
- ۹۳..... حاج شیخ محمد حسین خراسانی
- ۹۴..... آیت الله العظمی سید ابوالقاسم خویی؛
- ۹۶..... شهید سید عبدالحسین دستغیب شیرازی:
- ۹۷..... آیت الله رضوی کشمیری
- ۹۷..... آقا میرزا ابراهیم سیستانی
- ۹۷..... علامه سید محمد حسین طباطبائی تبریزی
- ۱۰۰..... فرزندان نماز شب بخوان
- ۱۰۱..... یک نکته دیگر :
- ۱۰۱..... عبدالزهراء
- ۱۰۲..... شیخ علی قسام
- ۱۰۲..... شیخ عباس قوچانی
- ۱۰۴..... احمد کشمیری
- ۱۰۴..... سید عبدالکریم کشمیری:
- ۱۰۶..... آیت الله مرندی
- ۱۰۶..... آقا سید حسن مسقطی
- ۱۰۷..... سید هاشم موسوی حداد
- ۱۱۲..... آیت الله نجابت:
- ۱۱۴..... سید علی نوری
- ۱۱۵..... بخش یازدهم
- ۱۱۵..... از رنگی دیگر
- ۱۱۵..... قاضی و دیگران
- ۱۱۶..... قاضی و مخالفان و دشمنانش

۱۱۹	پارسایی قاضی ؛
۱۲۱	وصیت قاضی به پسرش
۱۲۱	دوستان آیت الله سید علی آقا قاضی
۱۲۲	آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی
۱۲۲	حضرت آیت الله حاج سید ابوالقاسم خویی
۱۲۳	آیت الله میرزا باقر زنجانی
۱۲۴	پدر آیت الله فیروز آبادی
۱۲۵	آیت الله علامه حاج سید محمد حسین طباطبایی ؛
۱۲۵	آیت الله میرزا ابوالقاسم ملایری
۱۲۶	آخوند ملا حسینقلی همدانی
۱۲۷	شیخ رجعی خیاط و قاضی
۱۲۸	آیت الله قاضی و آیت الله نخودکی
۱۲۸	آیت الله قاضی و آقا ضیاءالدین عراقی
	شکرات شدن ارتباط میان قاضی و آیت الله سید عبدالغفار
۱۲۸	مازندرانی
۱۲۸	آیت الله قاضی و شیخ احمد احسائی
۱۲۹	جانشین آیت الله قاضی کیست؟
۱۳۰	قرآن دانی یکی از همسران آیت الله قاضی
۱۳۱	آیت الله قاضی ؛ و کودکان
۱۳۳	کتاب دوم
۱۳۳	مجموعه آثار
۱۳۵	بخش دوازدهم
۱۳۵	سروده های سید علی آقا قاضی؛
۱۳۶	عرض ادب به شهر نجف
۱۳۷	نامه منظم برای رفتن به عتبات عالیات
۱۳۸	دستورنامه آقای قاضی ؛ به شاگردان
۱۳۹	نامه منظم قاضی ؛ به شیخ ابراهیم شریفی زابلی
۱۴۱	قصیده غدیریّه
۱۴۶	غدیریّه

۱۴۸	اشعار دیگر:
۱۵۲	بخش سیزدهم
۱۵۲	آثار منثور سید علی آقا قاضی؛
۱۵۳	نمونه‌ای دیگر از نثر تازی سید علی آقا قاضی؛
۱۵۵	نوشته‌ای رو به سوی امام علی ۷
۱۵۵	نامه سید علی آقا قاضی؛ به «الهی طباطبائی»
۱۵۷	نامه‌ای دیگر
۱۵۸	دستور العمل، قرآن کریم
۱۵۹	بخش چهاردهم
۱۵۹	تصحیح «ارشاد» شیخ مفید
۱۶۲	بخش پانزدهم
۱۶۲	درباره «دعای سمات» و شرح دعای سمات
۱۶۵	درباره سمات
۱۶۷	برگردان شرح دعای سمات:
۱۸۵	متن عربی شرح دعای سمات از ایشان
۱۹۸	بخش شانزدهم
۱۹۸	آثار دیگر
۲۰۰	بخش هفدهم
۲۰۰	نکات گفتنی عرفانی، فقهی، علمی، تفسیری و...
۲۰۱	قرائت درست قرآن
۲۰۲	یک نکته تفسیری:
۲۰۲	اهمیت استاد آگاه
۲۰۲	یافتن انسان کامل
۲۰۳	طی الارض چیست؟
۲۰۴	درباره امام زمان ۷ و کیفیت ظهورش
۲۰۵	درباره زندگی و حضور غائبانه امام عصر ۷
۲۰۵	تدریس احادیث مربوط به امام عصر
۲۰۶	پرسشی درباره قالیچه حضرت سلیمان
۲۰۶	دستور در شناخت علم جفر

۲۰۷	مذاهب جنّی‌ها
۲۰۷	اسماء چهارده معصوم علیهم السلام
۲۰۸	سجده‌های طولانی
۲۰۸	دستورنامه آقای قاضی ؛ به شاگردان
۲۱۰	تغییر دستور
۲۱۱	دعای بی‌مصلحت
۲۱۱	نخستین دستور عرفانی استاد قاضی
۲۱۲	اهل طریقت
۲۱۲	حدیث «أول ما خلق الله»
۲۱۲	تهجد و عبادات قاضی ؛
۲۱۳	کلید سعادت و مسئله غفلت
۲۱۴	یک نکته در سیر و سلوک
۲۱۴	شور و حال سالک
۲۱۵	«ذکر» ابزاری برای پاکسازی ذهن
۲۱۵	بهترین راه و سریع‌ترین راه در سلوک
۲۱۵	خال صورت و تجلی نفس
۲۱۶	نماز اول وقت و رسیدن به مقامات عالیّه
۲۱۶	فروتنی بزرگ قاضی ۱
۲۱۶	پاکسازی ذهن و طریق معرفت نفس
۲۱۷	حدیث عنوان بصری
۲۱۸	رسیدن به مقام معرفت نفس
۲۱۸	جایگاه ولایت در عرفان اسلامی
۲۱۹	حلاج و قاضی
۲۱۹	آیت الله قاضی و سید بن طاووس
۲۱۹	قاضی و مولانا
۲۱۹	محبی الدین ابن عربی از دیدگاه قاضی ؛
۲۲۱	سعدی منهای عرفان
۲۲۱	حافظ از نگاه قاضی
۲۲۲	ملای رومی از نگاه قاضی

۲۲۲	تشیع مولانا!
۲۲۳	دعای ویژه در «قنوت» ها
۲۲۳	تجلیل از عید غدیر خم
۲۲۴	سفارش‌های آیت الله قاضی
۲۲۵	حال روحی و وضع معیشتی
۲۲۵	وسواس در عبادات
۲۲۵	رساله سیر و سلوک بحر العلوم از دیدگاه آیت الله قاضی؛ ...
۲۲۶	مرگ یکی از فرزندان
۲۲۶	خلسه آقای قاضی
۲۲۶	ترک صفات ردیله
۲۲۷	توسل به سید الشهداء
۲۲۷	هرچه می‌خواهی باید از امام حسین ۷ بگیری
۲۲۷	حقایق عالم
۲۲۷	خواسته نفس
۲۲۸	اهانت به بچه سید، اهانت به رسول الله است!
۲۲۸	نقد شیخیه از سوی قاضی؛ ...
۲۲۹	مرگ یکی از خویشاوندان و نماز میت
۲۲۹	تجرد
۲۴۲	دیدگاه منفی آیت الله قاضی درباره صوفیه
۲۴۲	شیخ بهایی در نگاه آیت الله قاضی
۲۴۳	چند سفارش آیت الله قاضی
۲۴۴	حق الناس
۲۴۴	فرقه ذهبیه
۲۴۴	مقاتل
۲۴۴	بیست سال کنترل چشم
۲۴۵	چهل سال تلاش
۲۴۵	معرفت حضرت دوست
۲۴۵	اسم اعظم
۲۴۶	تجرد و آیت الله قاضی

فرزند حسن.....	۲۴۷
آگاه به احوال.....	۲۴۷
باید مواظب بود.....	۲۴۷
درباره مکاشفات برخی.....	۲۴۸
روش احراق.....	۲۴۸
استقامت در راه معرفت.....	۲۴۹
ما تجرد نمی‌فروشیم.....	۲۵۰
شرایط اوراد و اذکار.....	۲۵۰
اشتغال عارف.....	۲۵۰
داستان ضبط صوت.....	۲۵۱
اشعاری از سر وجد.....	۲۵۱
با قرآن در صحنه.....	۲۵۱
همیشه با وضو.....	۲۵۲
درباره شیخیه.....	۲۵۲
بخش هجدهم.....	۲۵۳
داستان‌های شگفت.....	۲۵۳
داستان طتی الارض میرزا علی آقا قاضی.....	۲۵۴
دیدار امام زمان ۷.....	۲۵۶
نام حضرت فاطمه ۳ و باز شدن قفل.....	۲۵۷
پیش بینی مرگ.....	۲۵۷
داستان درس توحید افعالی و فرو ریختن سقف.....	۲۵۷
داستان درگیری ذکرت و شیمرت.....	۲۵۹
مردی پر اختلال فکر و حواس.....	۲۶۰
پذیرایی و فروتنی آیت الله سید علی آقا قاضی.....	۲۶۰
ستیز با خودخواهی.....	۲۶۱
درخواست استخاره و دیدار یار غایب از سوی آیت الله محمد تقی آملی.....	۲۶۱
فرزندانی که نخواهند ماند!.....	۲۶۲
احترام آقای قاضی نسبت به امام خمینی.....	۲۶۳

۲۶۴	طمع زدایی، کریوهای دشوار.....
۲۶۴	مردی در مشاهدات توحیدی.....
۲۶۵	فروتنی آیت الله قاضی در اقتدا به شاگرد جوان.....
۲۶۶	توکل و صبوری.....
۲۶۷	داستان قبض روح به واسطه اسم المُمیت.....
۲۶۹	آیت الله قاضی و مسئله رضایت پدر علامه طباطبایی؛.....
۲۷۰	هشدار به آیت الله العظمی علامه محمدتقی آملی.....
۲۷۱	یک خواسته و نیاز قاضی؛.....
۲۷۱	پیش ما بیا و نترس!.....
۲۷۲	مشارکت مردمی و کار برای خدا.....
۲۷۳	داستان مسکین و درخواست پول از قاضی.....
۲۷۴	پول ناخواسته‌ای که به راهش رفت.....
۲۷۴	تمییز پول حلال از شبهه ناک.....
۲۷۵	داستان پول با برگت.....
۲۷۶	پیش بینی گزینش مرجع تقلید آینده.....
۲۷۶	نمایش کربلا و محبت ظاهری برخی.....
۲۷۷	کاری شگفت از سید حداد.....
۲۷۷	محضر امام ۷ و ضعف یکی از مشایخ.....
۲۷۷	حوریه.....
۲۷۹	داستان وجوه شرعی برای آیت الله قاضی و اصفهانی.....
۲۸۰	داستان سید یوسف حکیم.....
۲۸۰	داستان زندگی دوباره همسر یکی از علما.....
۲۸۱	داستان تولد سیدتقی قاضی.....
۲۸۱	داستان عقرب زدگی فرزند قاضی.....
۲۸۲	داستان مرد بد زبان اهل نجف.....
۲۸۲	مولا ۷ راهنماست.....
۲۸۳	بخش نوزدهم.....
۲۸۳	وصیت نامه آیت الله العظمی قاضی.....
۲۸۶	بخش بیستم.....

www.ketab.ir

همه کتاب؛ پیشکش:

استادم مولانا حضرت حجت الاسلام والمسلمین محمد علی زم

که

«خود جانی است بنشسته اندر گوشه‌ای»

رفیق نازنینم مسعود میرزایی
که در فرهنگ ایران امروز،
خود پدیده‌ای است شگفت‌آور

م. ب. ن. ب

دریچه نخست :

قال علی علیه السلام :

«صحبوا الدنيا بآبدان ارواحها معلقة بالمحل الاعلى . اولئك خلفاء الله فى أرضه ، والدعاة الى دينه أه أه ، شوقا الى رويتهم!»

امام علی علیه السلام فرمود :

در این جهان هستی (کسانی هستند که) تنها با تن های خاکی شان همنشینى، برخورد داشتند به هنگامى که جان های آنها به آسمان پاک بالا و بلندپایه وابسته بود . اینانند تنها جانشینان پروردگار در روى زمينش و فراخوانندگان به سوى دينش . أه أه ، چه اندازه آرزومند دیدارشان هستم!».

دریچه دوم :

گر چه تفسیر زبان روشن گریست ،

لیک عشق بی زبان روشن ترست

چون قلم اندر نوشتن می شتافت ،

چون به عشق آمد ، قلم بر خود شکافت

چون سخن در وصف این حالت رسید ،

هم قلم بشکست و هم کاغذ درید

عقل در شرحش چو خر در گل بخفت

شرح عشق و عاشقى هم عشق گفت

آفتاب آمد دلیل آفتاب ،

گر دلیلت باید از وی رو متاب

از وی ار سایه نشانی می دهد ،

شمس هر دم نور جانی می دهد ،

سایه خواب آرد تو را همچو سمر

چون برآید شمس ، انشَقَّ القمر

خود غریبی در جهان چون شمس نیست
شمس جان باقی‌ای کش اُمس نیست
شمس در خارج اگر چه هست فرد
مثل او هم می‌توان تصویر کرد
لیک شمسی که از او شد هست اثیر
نبودش در ذهن و در خارج نظیر
در تصور ذات او را کنج کو
تا در آید در تصور مثل او

مثنوی معنوی

www.ketab.ir

پیشگفتار

من در دوران طلبگی و دانشجویی سرشار از ناآرامی بودم و توفانی. مدام در پی خویش و خوشتن خویش بوده‌ام. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران نتوانست شکارم کند. هنوز هم این مرکز دانش در چنبره خویش است نه خود را می‌کاود و نه شکارچی زیرکی است. کسانی که در آن سامان از شعر و موسیقی و عرفان و واژه و کلام سخن می‌گفته‌اند، هرگز از پرواز یک عقاب تیز پرواز و هدایت آن به آسمان توانمند نبوده‌اند. یا چهره‌های توانمند و برگزیده‌ای نداشت و یا جای درنگ و فرصت اندیشه و یا مانند آن. پس از بیست و اندی سال، هنگامی که در سال ۱۳۸۶ خورشیدی در دانشکده الهیات و معارف اسلامی درس عمومی زبان و ادبیات فارسی را بر عهده داشتم، در دست دانشجویی کتابی دیدم که دست نویس یکی از بزرگان حوزه علمیه نجف درباره سید علی آقا قاضی طباطبایی تبریزی و محمد تقی املی و حسینقلی همدانی و چند عارف و فقیه طراز اول آن دیار بود. دوباره حس خفته بنده بیدار شد و بر آن شدم که به سرزمین عرفان سری بزنم. به یاد داشت‌های انبوه پیشینم درباره مباحث عرفان، عرفا و ارزشها رو آوردم. دستمایه این جست و جوی دوباره، کارهای پژوهشی نوین در این موضوعات است.

و اما، حضرت علامه آیت الله العظمی حاج سید علی آقا قاضی طباطبایی تبریزی قدس الله تعالی سره العزیز، شگفت پدیده‌ای در گستره عرفان و فقه و ادب شیعی است. در روزگاران بروز دهها اختراع و اکتشاف و پیشرفت دانش‌ها، پیدایی چنین کسی و چهره‌هایی چونان او شگفت آور می‌نماید. مسلم است که در همه دوره‌ها چنین کسانی رخ نمی‌نمایند و دیدار آنان دشوار و درشتناک

می‌نماید. البته که آن هم از جنس عرفان واقعی و درست و شرع پسند و خرد خواه باشند. نه از شطحیات و افسانه بافی خبری هست و نه از پدیده‌هایی که خیلی زود رنگ می‌بازد و ماهیت خود را نشان می‌دهد. حوزه علمیه نجف و دیگر مراکز علمی در جهان اسلام از سید علی آقا قاضی بهره‌نبرد یا کم بهره برد. برآستی در دنیای کنونی چنین چهره‌هایی چند تا هستند که تشنگان معرفت به آنها رو آورده و پناه برند.

سید علی آقا قاضی قدس الله تعالی سره العزیز آدمی عادی و عارفی عامی آن هم از جنس عرفایی خشک مغز و دور از ارزش‌های الهی و آموزه‌هایی دور از عقل و منطق و تعالیم نبوی و دوستداری خاندان اهل بیت نبود. شگفت مردی بود که باید درباره او ژرف نگری کرد و ژرفانه جست و جو نمود. او فقیهی بود که در عرفان غرق بود و عارفی بود که به تمام علوم دینی و فقهی و مباحث متداول گذشته و امروز اشراف داشت. می‌گویند که او با آن همه مقامش عاشقانه در خانه‌اش در نجف اشرف مجالس روضه هفتگی داشت و می‌گفت: «من باید برای حضرت ابا عبدالله کار کنم، چه عالم باشم چه عامی.»^۱

و مخلصانه کفش‌های مردم را جلوی پایشان و در جفت می‌کرد. شماری از مردم از این رفتار و کردار او خرده می‌گرفتند که از یک اهل علم و فقیه و عارفی چونان شما به دورست که چنین عملی از او سر بزنند اما سید علی بزرگ این دیدگاه‌ها را قبول نداشت چون به این خاندان عشق می‌ورزید. او همواره بر این باور بود که:

«ثواب رفت و آمد بین حرم شریف حضرت ابا عبدالله علیه السلام و حضرت ابا الفضل علیه السلام از سعی بین صفا و مروه بیشتر است.»^۲ و نیز گفته‌اند که:

«ایام زیارتی که می‌شود حالش دگرگون است آن قدر که اگر نتواند زیارت برود آرام ندارد به نحوی که خانواده ایشان می‌گویند وقت زیارتی شما دیوانه می‌شوید و به همین خاطر نمی‌گذارند در آن ایام در نجف بماند پولی برای خوراکش تهیه می‌کنند و او را روانه کربلای معلّی می‌کنند و او پیاده به حرم می‌رود و پیاده برمی‌گردد.»^۳

۱- عطش، ص ۲۵۵. ۲- به نقل از آیت الله نجابت، عطش، ص ۲۵۴.

۳- به نقل از آیت الله نجابت، عطش، ص ۲۵۴.

یکی از شاگردان آیت الله قاضی رحمته الله علیه که همواره شاهد اعمال او بود، گفت: «آیت الله قاضی شب‌های جمعه تا صبح در حرم سیدالشهداء می‌ایستاد و هیچ چیز نمی‌گفت، نه زیارتی و نه... تنها تماشا می‌کرد.»^۱

دل بستگی او به اندازه‌ای بود که می‌گفت:

«من هم یک قصیده تائیه (مثل قصیده تائیه ابن فارض که برای استادش گفته) نمره یک گفتم برای حضرت اباعبدالله الحسین که کارم را درست کرد و در غیب را به نحو اتم برایم باز کرد.»^۲ و رسیدن به مقام توحید را جز این راه ندانسته و دلیرانه گفت که:

«محال است انسانی به جز از راه سیدالشهداء به مقام توحید برسد.»^۳
سید علی آقا قاضی اعلی الله مقامه الشریف و نور المضجعه المنیف عرفا را بدون ولایت ناموفق و سرافکنده می‌شناسد^۴ و در سفارشی به فرزندش سید محمد حسن قاضی که آهنگ تحصیل در مصر داشت، فرمود: «به مصر چرا می‌روی؟ مصری‌ها ولایت دارند اما برائت ندارند به جایی برو که هم ولایت داشته باشند، هم برائت!»^۵ و باز هم او صراحتاً و عاشقانه فرمود:
«من هر چه دارم از زیارت سیدالشهداء و قرآن دارم.»^۶

آقای قاضی رحمته الله علیه همیشه و در همه وقت «به همه توصیه می‌کردند که اگر قبری از امام زادگان یا علما و بزرگان در اطرافتان یا شهرتان است، حتما بروید.»^۷
این مرد در هدایت نفس خود هم چیره بود و هم توانمند. می‌گویند که وی احترام آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی مرجع تقلید وقت و اطاعت از معظم له را واجب می‌دانستند و می‌فرمودند: «علم و پرچم اسلام اکنون به دست ایشان است و همه وظیفه دارند که ایشان را به هر نحو ممکن یاری کنند. همیشه با احترام و تجلیل از ایشان نام می‌بردند اما از تلاقی با ایشان پرهیز داشتند و

۱- ز مهر افروخته: ص ۲۲. ۲- به نقل از آیت الله نجات: عطش: ص ۲۵۳.

۳- ز مهر افروخته: ص ۲۲. ۴- اسوه عارفان: ص ۸۰.

۵- به نقل از سید محمد حسن قاضی: عطش: ص ۳۱۰.

۶- دریای عرفان: ص ۹۸ و در جایی (در روح مجرد ص ۳۴۷) از آیت الله قاضی رحمه الله علیه نقل شده که فرمود: «ولایت متدک در توحید است و اصلاً وصول به مقام توحید و سیر صحیح الی الله و عرفان ذات احدیت بدون ولایت امامان و خلفای به حق از امیر المؤمنین علیه السلام و فرزندانش از بتول صلوات الله علیها محال است.»

۷- به گزارش سید محمد حسن قاضی: عطش: ص ۳۱۰.

علت آن هم این بود که خیلی مراقب نفس بودند مبادا کاری کنند از هواپرستی ناشی بشود. چون ریاست و مرجعیت بدست آیت الله اصفهانی بود. ایشان می ترسید که مبادا با آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی مثلاً یک دفعه توافقی بکند که شبهه نفسانی داشته باشد.^۱ و فروتنی اش نسبت به مخالفانش و برخورد با آنان هم دیدنی است. گفته اند که میان آیت الله قاضی رحمته الله و آیت الله میرزا عبدالغفار مازندرانی اعلی الله مقامه کدورت و اختلافاتی بود. مرحوم قاضی به مردم و شاگردانش فروتنانه توصیه می کرد که:

«بروید پشت سر امیرزا عبدالغفار نماز بخوانید. ایشان نمازهای خوبی دارند.»^۲
 آیت الله قاضی رحمته الله دائم در ذکر و نماز بود. او بر این باور بود که:
 «اگر نماز را تحفظ کردید، همه چیزتان می ماند»^۳.

دلبستگی او به نماز به گونه ای بود که مثال زدنی می نمود. سجده هایی طولانی که حتی شاگردانش از این سجده های درازناک دست کشیده^۴ و رهایش کرده و می رفتند و روزگاری که صاحب خانه اش در نجف او و خانواده اش را به علت ناداری بیرون می کند و در بالاحانه ای در مسجد کوفه مسکن می گیرند هنگام نماز چنان سرگرم انجام آن و تعقیبات می شود که انگار هیچ اتفاقی رخ نداده است.^۵ و به شاگردانش هشدار می دهد که «در حال نماز یا ذکر و عبادت در برابر زیبایی مطلق و جمال جمیل الهی هر چه دیدید و شنیدید، شما را مشغول نکند و مبادا به بهانه بهشت از بهشت آفرین غافل شوید»^۶.
 ایشان همیشه می فرمودند: «با خود می اندیشم آیا این لذایذی که از نماز نصیب می شود، در برزخ هم نصیب می شود؟»^۷ و «تمام هم و غم دنیا در نزد ما تا اول الله اکبر نمازست». و نیز: «دو سه روزست در این فکر که اگر در بهشت نگذارند ما نماز بخوانیم، چه بکنیم؟»^۸.

یکی از شاگردانش از زبان این فقیه عارف درباره حوزه دلبستگی اش به نماز می گوید:

۱- عطش: ص ۲۴۴.

۲- عطش: ص ۲۴۳.

۳- دریای عرفان: ص ۱۱۹.

۴- اسوه عرفان: ص ۱۶۱.

۵- اسوه عرفان: ص ۲۶.

۶- مهر تابان: ص ۳۱.

۷- به گزارش آیت الله نجابت رحمته الله: عطش: ص ۴۲.

۸- مهر تابان: ص ۱۹. عطش: ص ۴۲.

«گاهی طلبکار به در منزل می‌آید و در خانه چیزی نیست تا بدهم. از هر طرفی در فشارم، ولی در نماز به برکت خود خدا مثل این که نه زن دارم و نه بچه و نه قرضی؛ مشغول نماز که می‌شوم آهنگ افلاک را می‌شنوم. از خدا خواسته‌ام که این سماع را از من بردارد.» این است جغرافیای عشق او به خدا. که از راه نماز به جست و جوی حضرت دوست می‌رود. آری «بل وجدتك اهلا للعبادة» انسان‌ها و عرفایی چونان او تنها به دوست می‌اندیشند و هر چه غیر دوست است و ماسوی الله را رها می‌کنند. این‌ها یعنی هر چه که حجاب است مانع دیدار دوست است پس جز محبوب، همه چیز بدرود. همه آنچه که در این چند سطر گذشت، گوشه‌هایی است از قلمرو بزرگی و خوبی‌های عارف بی‌مانند قاضی طباطبائی.

که بی‌گمان «حرفی است از هزاران کاندید عبارت آمد». و همه آنچه گفتنی است در این کتاب آمده و خوانندگان بیش از پیش به ویژگی‌های ارزشی علمی، اخلاقی، پارسایی، ادب و انسانیت و فروتنی و مراتب کمالات و کرامات این مرد بزرگ آشنا می‌شوند. معروف است که باید پیشگفتار را کوتاه نوشت و به مصداق «خیر الکلام ما قل و دل»، سخن پیشین کتاب را خلاصه و گزیده می‌نویسم و همه گفتنی را در متن کتاب پیشکش می‌نمایم.

ای کاش کسانی که محضر آسمانی و زلال آیت الله العظمی سید علی آقا قاضی تبریزی را درک کرده‌اند، بر آن می‌بوده‌اند که همه گفتنی‌ها را از همان هنگامه‌های دیدار این مرد حق و مصداق بارز و زیبای «انسان کامل» عصر امروز نوشته و ثبت و ضبط می‌نموده‌اند تا برای مردم امروز و نسل‌های آینده یادبودی درخور می‌بود. اما متأسفانه این حرکت شایسته رخ نداد و یا بسیار کم

سه روایت آیت الله نجابت رحمه الله؛ عطش؛ ص ۳۹.

۱- اثر را تنها معشوق یافتیم. بحار الانوار، باب عبادت، ۱۴/۴۱.

به روایت شادروان آیت الله نجابت رحمه الله علیه. آیت الله قاضی فرمودند:

«فقر و بی پولی و اولاد زیاد همواره به من فشار می‌آورد اما هنگامی که سر نماز می‌ایستم خداوند تبارک و تعالی لذت عبودیت را به قسمی به بنده می‌فهماند که قریب به یک ساعت نماز طول می‌کشد و پس از نماز فکر می‌کنم این لذت عبودیت در نشئه بعدی به نحوی که عبودیت و ربوبیت حفظ شود آیا نصیبمان می‌شود

یا نه؟، عطش؛ ص ۳۸

رنگ می‌نماید.

و سرانجام

اینک کتاب «مردی از ملکوت» را پیشکش مردم خداجو می‌نمایم که در دو کتاب فراهم آمده است:

۱- کتاب اول

۲- کتاب دوم

با تفکیک و تقسیم بندی موضوعی به نام «فصل». کتاب نخست در برگیرنده زندگی، احوال و استادان و شاگردان و ارتباط آیت الله قاضی با علماء، عرفا و مراجع و زهادست و کتاب دوم در برگیرنده آثار منشور و منظوم و نکات بایستنی و شایسته دیدگاه‌ها و داستانهای مربوط به آن عارف وارسته.

به نظر بنده جامع‌ترین و کامل‌ترین کتاب در شناخت این مرد بزرگ همین کتاب است که در زیباترین شکل و موضوعی نوشته شده است. چشم آن دارم که بپذیرید. در پایان از استاد فرهیخته حضرت حجت الاسلام والمسلمین **محمد علی زم** روحانی شگفت آور و تنورسپین و جامعه شناس و بزرگمرد، دوست فرزانه **ام مسعود میرزایی**، ناشر خستگی‌ناپذیر و تمام عوامل چاپ و پخش و حروف چین و گرافیک و طراح و صفحه‌بند و صحاف و پخش‌کننده و فروشنده کتاب کنونی سپاسگزارم که بی‌دلسوزی و یاریشان کار به انجام و فرجام نمی‌رسید.

والحمد لله اولاً و آخراً

محمد باقر نجف زاده بارفروشی «م. روجا»

فروردین ماه سال ۱۳۸۷ خورشیدی.

کتاب نخست

بخش نخست دیدگاهها

دیدگاهها، چنانکه از نامش پیداست و بر می آید، دیدگاه شاگردان، دوستان، دوستداران و خویشاوندان آیت الله العظمی قاضی رحمته الله بر پایه ترتیب الفبایی نام خانوادگی شان نوشته شده است. دیگر مباحث و مطالب یاد شده از زبان همین چهره‌ها و دیگر مشاهیر در موضوعات تفکیکی متن کتاب آمده است.

امام خمینی رحمته الله :

علامه سید محمد حسین حسینی تهرانی رحمته الله :
«مرحوم صدیق ارجمند آیت الله شیخ مرتضی مطهری رحمه الله به حقیر گفت: من خودم از رهبر عظیم انقلاب آیت الله خمینی علی الله مقامه... شنیدم که می فرمود:

«قاضی کوهی بود از عظمت و مقام توحید.»

روح مجرد، ص ۳۷۳

استاد مطهری و دلبستگی به علی آقا قاضی رحمته الله :

علامه سید محمد حسین حسینی تهرانی فرمودند: «یک روز که به منزل شهید مطهری رفته بودم ملاحظه کردم که سه تصویر در اتاق خود نصب کرده‌اند،